طريق قرباني
حرص تمن

مكان قرباني
 Raqibahani, محل و مصرف أن

اصل "وجوب ذبح قرباني در حج
تمع" از مسائل مسلم در فقه شبه و مورد

اتفاق همة Raqibahani است. قرآن كريم و نيز
روايات متعدد، به صرائحة بر ووجب آن
دلائل دارد.

خذ متعال مي فرمايد:

"فمن تمتّع بالعمرة إلى الحج فما

استمرر من الهدي" 1

لازم به گفت است كه ما در اين مقال

در پي اثبات اصل "وجوب قرباني" نستيم

بلكه بر آينم كه با استفاده از منابع معتر

دينی، درباره "مکان و كيفيت مصرف آن"

مطالبه را تقدیم كنیم.

شیخ مفيد می‌نویسد:

"قدأ طلت الشم فلیفض منها إلى

مني... ثم يشترى هديه..." 2

ابوالصالح خلیل می‌نویسد:

"ثم يرجع إلى منی فیشتری هدیا

لمتعمه إن كان ممتع" 3

شیخ مفید می‌نویسد:

"قدأ طلت الشم فلیفض منها إلى

منی... ثم يشترى هديه..." 2

ابوالصالح خلیل می‌نویسد:

"ثم يرجع إلى منی فیشتری هدیا

لمتعمه إن كان ممتع" 3
ذبح بر حاجي و زائر كه حج تمت مع أنجام
مي يده و از محل ذبح سخنى به ميان
نياورد و است: مانند روايت زارة بن ععين:
"عن زارة بن ععين عن أبي
جعفر-ع - في المتمنع قال علي الهدي":
"زاره از امام باقر-ع - در مورد المتمنع
مي يرسد، حضرت مي فرمايد: "بأو لازم است
قرباني كند".

"الهدى واجب على المتمنع بالثمرة
إلى الحج" - ولا يجوز أن يذبح الهدي
الواجب في الحج إلا بمثى".

"و ليس أرضت محروم شيخ، ابن
ادريس - رحمة الله - به اين مطلب تصريح
كرده، مي نوسيد:
"ولا يجوز أن يذبح الهدي الواجب
إلا بمنى يوم النحر أو بعد فان ذبح بمثى
أو بغير منى لم يجزه".

المثنى واجب ذبح در منا:
مهمرين دليل واجب ذبح در منا,
روايات رسيدة از پامبر - ص - و امامان
ممضى - عليهم السلام - است، لازم است
ابتدأ روايات را نقل كرده و از نظر سند
و دلالت مورد دفقت قرار دهیم و آنها را
جمع بندى نظام
روايات رسيدة در اين موضوع را به
چند دسته مي توان تقسم نمود:

1 - روايتی که دلالت دارد بر وجب
جائز است يا نه، ساكت است.

خداي متحال مي فرامايد:

"أثقو الحج والعمرة لله فإن أحصرتم
فما استيسر من الهدني ولا تحلقو رؤوسكم
حتى يبلغ الهيدي وحله". 12

از آيه اجمالاً فهميداً مي شود كه برای
قربانى محل است استا أئا أن محل كجا
است، آيه بر أن آشارة تكره، و در روايت
معتبرى "محل" به "من" تفسير شده است:

"عند زراعة قال: "سأئة عن رجل
أحمر في الحج، قال: فلبيعت بهديه إذا كان
معي أصحابه ومحله أن يبلغ الهيدي محله
ومحله منم يوم النحر إذا كان في الحج".

اكر از آيه به ضيماً روايت فهميداً
شود كه محل ذي "من" ظهوا و في غير منا
ذيح صحيح نبست، أئن دسته به دسته دوم
از اخبار ملحق خواهد بود و دسته مستقلى
محسوب نمي گردد.

جمع يندى روايات:

روايات دسته اوئل كه از محل ذبح
سخن به ميان تيارده و دسته چهارم، با
گروههاي ديگر هيهگونه تنافى ندارد، مهم
جمع ميان روايات دسته دوم و چهارم با
دسته سوم است. دسته دوم و چهارم دالت
مي كند كه ذبح در خارج از مانا كفايت
نمي كند و دسته سوم دالت دارند بر كفايت

در سند اين روايت لولؤي واقع شده
كه وى تضعيف غريده است.

ج: عن عبدالمعلى قال: قال
أبو عبيد الله،-ع: "لا هدى إلا من الاب ولا
ذبح إلا بمنى".11

اين عبدالمعلى مردد است بين
"عبدالمعلى بن اعين بن جيلى" كه توثيق
شهده و "عبدالمعلى بن اعين" آل سام كه
تضعيف غريده است. بنابراین روايت از
اعتبار مي گنن.

د: عن منصور بن حازم، عن أبي
عبد الله،-ع: يرجال ينكره، فهاد
رجل آخر فتحره، فقال "إن كان نحره بمنى
فلا أجاز قارب ضاحي الذي ضل عنه وإن كان
نحره في غير منى لا يجز عن ضاحيه".11

اين روايت از نظر سند صحيح است.

2- دسته سوم رواياتى است كه
دالت دارد بر اين كه قربانى كردن در مكه
نيز جايز است: مانند:

عن معاوية بن عمرو، قال: قلت لأبي
عبد الله،-ع: "إن اهل مكة أكنروا عليكم
أنذ ذبحت هديك في منزلك بمنى، فقال:
"إن مكة كلها منحرى".12

اين روايت از نظر سند مشكلي ندارد.

3- دسته چهارم آيه قران و روايتى
در تفسير أن است كه دالت دارد منا مكان
ذبح است اما از بيان اين كه در غير منا ذبح
الخطاب: [ور في صورة تعارض] أولى اين
است كاطق خبر اول حكم شود زيرا خبر
أول (روايت ابراهيم خرخ) ميان واجب
و مستحب تفصيل داده واين خبر اين
جهت مجمل است و هر يك از واجب
و مستحب را محتمل است.
بعد از شيخ اين توجه در كلام
فقيهان رافiq شده و تعدادي از فقيهان با
حمل روايت معروبة عمار بر هدي مستحبا
دو دسته روايت را جمع كردهند.16

ashak محقق اردبیلی بر راه حل شيخ
مرجوم محقق اردبیلی بعد از نقل راه
حل شيخ می‌نویسد:

وفی هذی التأويل تأمل لعدم ظهور
سند الخبر الأول و ظهور کون الثاني في
هذي التماث و اوم لیک اجماع لکان القول
بالجواب في مكة چیدا21

این تأويل شیخ مورد تأمل است زیرا
سند خبر أول ابراهیم خرخ روشن نیست
[جون ابراهیم خرخ مجهول است] و روايت
معاوية بن عمرهم ظهور در حج تمت دارد.
و اگر اجماعی نیازشد قول به جواب ذیح قریبی در
مکه بسندیده خواهد بود.

بررسی
روايت دسته اول منحصر در روايت

۱ - راه حل پیشنهادی شیخ طوسی
مرجوم شیخ طوسی بعد از نقل روايات
معاوية بن عمر، در مقام جمعبندی
می‌نویسد:

فلیس فی هذا الخبر أنه ذیح هذیه
الواج و یحتمل أن یکن هدیه یا کان یطؤعًا
وذلك جانی بیجی به مکة بدلالة الخبر الأول
والحكم بالخبر الأول ولیه لیفظه ویاذا
الخبر مجمل محتمل».15

این روایت دلالت ندارد که امام
قریبی اول تا در مکه ذیح نموده
و احتمال داره تدریج مستحی بوده،
و روایت اول (ابراهیم خرخ) دلالت دارد که
قریبی مستحی را حاجی می‌تواند در مکه
بررسی
روایت فوق نه تنها نمی‌تواند شاهد حمل روایت معاویه بن عمر بر عمره باشد بلکه ظاهرش می‌تواند مفاد روایت معاویه بن عمر است و بر جواب ذبیح در مکه دلایل دارد؛ زیرا وقتی عباد بن نافع به امام اعتراض می‌کند که چرا هدی عمره را در منزل خود ذبیح نمودی؟ امام ـ عـ در پاسخ می‌فرماید: همچنانه در هر دو ماه پیامبر خود در منا ذبیح کرد و برای مردم توسه داد و اجازه داد در منزل خود ذبیح کند در عمره نیز چنین است و مردم در توسه هستند. بنابراین در منزل خود ذبیح نمایند (از گرچه پیامبر ـ صـ خود در تاریک کتاب ذبیح نمودند).

نتیجه‌گیری
tا کنون ثابت شد راه‌حل‌هایی که برای جمع میان اخبار ارائه‌گذاری شده هیچ کدام تمام است و از نظر فنی وقتی جمع «عیان اخبار متناقض ممکن نشود، می‌رسد به اجرای قواعد "تعادل و تراجیح" از این زاویه وقتی این دو دسته از روایات مورد ملاحظه قرار گیرد، معلوم می‌گردد که از دو چهار ترجیح با روایاتی است که دلایل بر

ابراهیم کرخی نیست تا به خاطر ضعف سند کار گذاشته شود بلکه در میان آن روایات، روایت صحت‌هایی نیز وجود دارد؛ مانند صحتی مبنی بر حضور بن حازم که دلایل دارد بر عدم جواب ذبیح در غير منا.

۲. راه حل پیشنهادی محقق
سبزواری، نراقی و صاحب حدائق
مرحوم محقق سبزواری در مقام جمع‌بندی روایات و بعد از نقل جمع‌بندی شیخ مینویسد:

وی‌جمله حملها على سياق العمره
یویده ما رواه الشیخ فی الموقع عین سبحة بن عمیر ان عباد البصری جاء إلى أبي عبدالله ـ عـ وقد دخل مکه بمغرة مبتولة وأهدى هدياً، فأمر به فتحه في منزله بمگه فقال له عباد: فنحرة الهدی فی منزلک وتكرت أن تنحرة بفناه الكعبة وآن رجل يؤخذ مکه؟ فقال له: آلم تعلم أن رسول الله ـ صـ فحرة هیدی بهما في المنحرف وأمر الناس فنحروا في منازلهمً وكان ذلك دوماً عليهم کذک، هو موضع على میتا فنحرة الهدی بمگه في منزله إذا كان معتمراً.

مرحوم نراقی مینویسد:
اما بعض الأخبار المتضمنة لهدی الإمام في غير منى فقتالاً في وقائع لا يقيد عموماً ولا إطلاقاً فعله هدی کان فی
لا يمكنني قراءة النص العربي من الصورة. إذا كنت بحاجة إلى مساعدة أخرى، لا تتردد في طرح السؤال بفترة مساعدة أخرى.
یک قسمت آن منجر به شد. بقایی می‌مانت ته‌ها روایت منصور بن حازم، این روایت گرهچ از نظر سنند صحیح است اما از نظر دلالت قابل مناقشه است و مرحوم صاحب جوهر با یک جمله کوتاه به آن مناقشه اشاره کرده، می‌نویسد:

«لکن فيه آن مبنی است تجزیه التبع و اسلام‌گرایی.»

«لیکن اشکال روایت این است که روایت مبنی است بر کافیت ذیح تبرعی و علامه طراحی خواهان بود.»

چنان‌که مرحوم صاحب جوهر اشاره کرد، دلالت روایت مبنی بر این است که نیابت تبرعی در ذیح مجزی باشد؛ زیرا روایت در مورد نیابت تبرعی وارد شده است و فقهی قائل به عدم اجزا بهار نیابت تبرعی هستند بنابراین عملاً این روایت را طرح کرده و به آن عمل نکردند تنها دلیلی که باقی می‌ماند سیره عمل مسلمانان است که از زمان پیامبر تاکنون ادامه داردرده هم از ناحیه شوار نشده است.

مرحوم قربانی

برگت هر یک از اعمال بر از حركت و ببرکت حج، دارای اسرار و حکمت های فراوانی است؛ یکی از این اعمال، عامل
شده که قسمتی را خوشد مصرف کند و قسمتی از آن را هدیه دهد و قسمتی را نیز به مستندان بدهد.

دلایل لزوم مصرف گوشت قربانی
الف: آیات
در تعدادی از آیات قرآن به صراحت دستور بده خوردن و خوراندن گوشت قربانی داده شده: از آن جمله است:

۱ - «آدن فی النسخ بالحج یاتوکر، ایجاداً و علی كل ضامر، تایین من کل فحیم لیشحوتا منافقین لههم و یذروا اسم الله» در ایام معمولات. علم ما رقیم من بهمیه الانتفاع فکروا منها واعطاوا البانس الفقیر»:۸۸

یکمراشیح و قبله را (در مراسم قربانی حج) برای شما از شعائر الیه قرار دادیم، در آنها برای شما خبر و برکت است: نام خدای را (هگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستادند بر آنها برپیست و هنگامی که بهلویان آرام گرفت (و چان دادند) از گوشت اینها بخورید و مستندان قانون و فقیر را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را مستخرجان ساختیم، تا شکر خدا را با جا آوردیم گوشت‌ها و خونهای آنها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او مرس رخ دو یا برای یک طرف شماست، این گونه خدایان آنها را مستخرش، شما ساخته، تا او را به خاطر آن که شما را هدایت کردی است بهترین بشرمی و شاپرته دنیای نیکوکاران را.

۲ - «جعل الله الكعبة البيت الحرام قیاماً للناس و الصهیر الحرام والهیه والحائط و القائنین ذلك لتغلموا أن الله يعلم ما في السموت وما في الأرض وأن الله بكل شيء علمیه.»

۳ - «خداوند، کعبه، بیت حرام را وسیلهٔ...»
برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد؛ و همچنین ماه حرام، و قربانی‌های بی‌نیشان و قربانی‌های نشان دار را؛ این گونه احکام (حساب شده و دقيق) به خاطر آن است که بدانید خداوند آنچه در اساسان و آنچه در زمین است می‌داند خدا به هر چیزی داناست.

در آیه‌ فوق «الشهر الحرام والهندی والقلائد» عطف بر «الکعبه» و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای «المجل» می‌باشد و مفعول دوم آن؛ یعنی «قیامًا للناس» به قرینة ما قبل حذف شده و در حقيقة آن قربانی‌های بی‌نشان و بی‌نشان حج را به عنوان قیام و قوم زندگی انسان‌ها معرفی کرده و از جهت «قیامًا للناس» بودن در ردیف کعبه قرار داده است و در قسمت دوم آیه فرمان به ذبح قربانی‌های این قربانی برخاسته از علم گسترش خداوند معرفی کرده که نشان دهنده اسرار و حکمت‌هایی است که در این تکلیف‌هی از نهفته است.

ب: روايات

روایت فراوانی دلالت بر مصرف قربانی و گیفت مصرف آن دارد که چند نمونه از آن را می‌آوریم:

1- عن معاوية بن عمار، عن أبي عبدالله - ع - قال: إذا ذهبتي أو نحرتي فكفل وأطم بمما قال الله: "فكلوا منها وأطعموا..."
هرام بود، مصرف آن واجب می‌شود.

مشکل کنونی قربانی در منا:

پیشرفت ثابت گردد که واجب است قربانی حج، تمام در سرزمین منا ذبح شود و گوشت آن به مصرف فقیران و مستمدنان بررسد. لیکن با کمال تأسف در حال حاضر هیچ یک از این دو واجب امکان اجرای ندارد؛ زیرا از طرفی قربانگاه‌های فریل که حجاج وظیفه دارند در آن آیا قربانی کنند در منا نیست بلکه در وادی محرّر و وادی ممیس قرار دارد. و از طرف دیگر با توجه به کثرت قربانی و کم‌بودن فقیران و محتاجان و نیز رعایت بهداشت بخش اعظم این گوشت‌ها به مصرف مانده، سوزانده و از بین میرود.

حال چه بايد کرد؟

راه حل‌های پیشنهادی:

برای حل‌ مشکل قربانی چند راه حل پیشنهاد شده که در ذیل طرح و بررسی می‌گردد:

کشتی قربانی در (وطن)

برای جلوگیری از هدر رفتان و اسراف این نعمت خدا و رعایت ترتیب میان اعمال روز عید در منا لازم است حجاج محترم
بر اصل تقييد به طور اجمالی. حال که عمل به این ادله متعدد است و قید «منا» متعدد است مرجع اطلاعات، ادلای است که دلالت می‌کند بر اصل و‌جوی ذبح و مقتضی این اطلاعات جواز ذبح است در هر جایی که باشد.»

بررسی
این که اینک یکی که آنها را می‌آوریم:

پاسخ دلیل اول:
مهمترین دلیل راه حل فوق، همان دلیل اول است که از جهات گوناگون قابل تقد است و در حقیقت این دلیل مبنی بر پیش فرض‌های است که هیچ‌چیز یک تماست نیست; زیرا:

اول: مبتینی بر این است که هیچ یک از قربانگاه‌های فیض در «منا» نواشید یا اگر هست‌ذبح در آن قربانگاه‌ها عسر و حرکت‌های معن قانونی داشته بود و این امر ثابت نیست و طبق اظهار نظر بعضی از افراد مطلع، هنوز در خود منا مذبح‌هایی هست که بدون هیچ مشکل تعدادی می‌توانند در آنجا قربانی در منا دلالت دارد بر و‌جوی این قبیل قربانی‌ها و ادله حرم‌ی اسراف دلالت می‌کند بر حرف آنها. چه‌کسی گفته تقدم با ادله و‌جوی قربانی در منا است. انفروز بر این که در وضع فعلی دعای شرطی منا در هیچ صورت ممکن نیست، در حقیقت، امر دایر است میان قربانی در وادی محشر که نه رعايت شرطی منا شده و نه رعايت مصرف گوشت قربانی در وطن که تنها شرطی منا مقصود است اما مصرف آن کامل یا رعايت یا شدید. بطوری است که راه دوم محصور کتری دارد و باید رعايت شود. مرجمه ایت الله خوئی مساله فوق را از مسائل مستحدثه شمرده و در صورتی که تذر ذبح در منا تا آخر ذی حجه ادامه داشته باشد، شرطی ذبح در منا را ساقط دانسته و فرموده است: هر یک که بخواهد می‌تواند قربانی کند. 

آیه الله خویی برای اثبات مدعای خود این گونه استدلال کرده است:

»کتاب و سنت به اتفاق دلالت
می‌نمایند بر اصل و‌جوی هدیه. ما به دلیل روایات متعددی که دلالت بر و‌جوی ذبح در منا داشت، اطلاعات را مقید کردهم به منا. لیکن ادله مقید می‌ما اطلاع ندارد و دلالت نمی‌کند بر نقص مطلق بالکه دلالت دارند
نظرية RA به سياري از فقها نسبت داده، می‌نویسد:

(محل الیز از عقبه (و خود عقبه خارج از منا است) تا وادی محسور است. از این که وادی محسور را حد منا قرار داده ظهور در خروج وادی محسور از منا است. در حالی که ظاهر از کلماه برای او این است که وادی محسور جزء منا است.

و بدون شك حجاج می‌توانند بدون هیچ عصر و حرج و منع قانونی، در مسائلهای جدیدی که در وادی محسور ساخته شده قربانی کنند و امکان قربانی در وادی محسور طبق این نظر در حقیقت امکان قربانی در منا است.

رابع: مثبت بر این است که اقربت به منا و اتصال به آن، بعد از تخلیه ذبح در منا، خصوصیت ناشته باشد و این مطلب ثابت نیست؛ بلکه محتمل است اقربت به منا در امر ذبح نتفش داشته باشد، وقی این احتمال داده شد امر دایر می‌شود بین تعیین (وادی محسور) تخلیه (میان وادی محسور)...

قربانی در حج تنوع

ثانيه: مثبت بر این فرض است که بین روز دهم و روزهای یازده و دوازده از جهت ذبح در منا تفاوتی نبوده. اما اگر امکان داشته باشد که در روزهای بعد بدون عصر و حرج و منع قانونی در منا قربانی کند طبق نظر کسانی که باشنه را خلاف احیاط وجویی می‌دانند وظیفه دارد تأکید بیننداد: زیرا امر دایر است بین کنار رفت احیاط وجویی (زمان ذبح از عید قربانی تأخیر نیفتند) و کنار رفت فتوای مسلم (که ذبح باید در منا واقع شود) روشان است که باید به خاطر رعايت فتوا، از احیاط وجویی دست بکشد. اما طبق نظر کسانی که صریحاً فتوای می‌دهند به عدم جواز تأخیر ذبح از عید امر دایر است. میان دو فتوا یکی تعیین ذبح در روز عید قربان و دیگری تعیین ذبح در منا و فرض این است که جمع میان آن دو هم ممکن نیست و طبق صناعت باید قائل به تخلیه باشیم نه سقوط تکلیف ذبح در منا.

ثالثاً: این دلیل مثبت بر این است که وادی محسور جزء منا نباشد. در حالی که بعضی از فقها بر این باورند که وادی محسور جزء منا است و مرحوم شهید ثانی این...
نحو جح

انجام بگیرد تا امکان خوردن خوراندن آن فراهم گردد.

این که فرموده: آیات و روایات اطلاق ندارد و منصرف است به قربانی‌هایی که منصرف می‌شود، ادعایی بیش نیست و ظاهر این است که خوردن و خوراندن گوشت قربانی در فرض وجب، وجب مستقلی است در کنار وجب ذبح. بنابراین وجهی برای انصراف اطلاعات ادلة وجب ذبیح باقی نمی‌ماند و انگه‌های انصراف گسترده‌ای نیست و اسباب و عواملی دارد که هیچ کدام در اینجا نیست.

اما مسأله اسراف گوشت‌های قربانیان:

اول: مبتینی بر این است که هیچ راهی برای جمع میان ذبح در منایا مکانهای متصل به میان و مصرف صحیح قربانی نباشد و این اول کلام است و در طرح‌های بعدی میان آن دو جمع شده است.

ثانیا: مبتینی بر این است که به این قیبل کاره که شخص برای اداه تکلیف انجام می‌دهد و ممکن است دما حکمت دیگر غیر از مصرف گوشت قربانی در آن باشد و... اسراف صدق کند.

ثالثا: بر فرض صدق اسراف ثابت و سایر امکانه و در دوران بین تعمین و تخمین، عقل حکم می‌کند به احتیاط و اخذ به آن فردی که احتمال تعمین را دارد؛ زیرا تنهایی در این صورت است که فراگ‌ریزی‌ای حاصل می‌شود.

خامسا: از ظاهر بعضی آیات هم تعمین امکان متصل به منا قابل استفاده است؛ مثل: در آیه: «والبدن جعلناه لکم من شعائر الله قربانی‌ها را از شعائر الیه معرفی می‌کند. شعائر الیه معمولاً عبارت است از عیاداتی که به صورت گروهی و دسته جمعی انجام می‌پذیرد؛ مثل: نماز جمعه‌ای شعائر الله شمرده شده اما نماز عیده فردا چنین نیست. این امر اقتضا دارد که قربانی‌ها در روز عید به صورت گروهی در مکان خاصی انجام پذیرد بنابراین فتوی به ذبح قربانی در وطن، این عمل بسیار مهم را از حالت شعائر الیه مبدا خارج می‌سازد و دیگر این که در ادابه آیه می‌فرماید: «فاآذا وجبت جنوبها فكلموا منا واطعموا القانع والمصتی، معناش این است که قربانی به غنیفای باشد که امکان خوراندن و خوردن خود حاجی و وجود داشته باشد (به نحو وجب یا استحباب) و این اقتضا می‌کند که ذبح اگر در خود منا هم امکان نداشت در خارج منا متقن می‌مزل بن یبدا"
شود که این گونه اسراها حرام است و از بعضی روایات استفاده می‌شود که اسرا در امر حج مبلغ‌شان شرع نیست. این ابی بیفروش از امام صادق ع - از موقعیت این حضرت از پیامبر (ص) اسلام تقل نموده که فرمود:

«ما من نفقة ابتهاج ارظه من نفقة قدس ویغض الإسرا إلا في الحج والعمرة».

راه حل پیشنهادی دیگر:
این راه حل به چنین امری بترتب دیل می‌شناسد:

۱ - به اندوزه مصرف روز عید قربانی شود. ۲ - بقیه در طول دیجیجه و در منا یا سراسر حرم قربانی و تقسیم گردید. ۳ - اضافه مصرف ذبح جانور در حرم در یخچال‌ها و سردخانه‌ها به نفع فقرا نگهداری گردد. ۴ - در صورت عدم امکان زمانی و مکانی قربانی‌ای عدم امکان تقسیم یا نگهداری گوشته‌ها بپذیرد. یا میان فقرای منا و در مرحله دوم فقرای حرم، از همان روز عید نیز درخواست ذبح جانور در حرم الی‌ها گرفته شود و مازاد آن به سایر فقرای مسلمان داده شود. ۳۷

پرورشی:
این راه حل از چنین جهت در حال مسلمان‌ها با وسائل پیشرفته بسته بندی شده إلـ.آمزس
قاضي عسكر معاون أموزش وتحقيقات در
باعشمقام معظم رهبری از محضر آیات عظام
مرجعیون گلپایگانی و اراکی نمودند، هر
دوی این بزرگواران فتوا به جواز ذبح در این
مسلخهای مکاتبه دادهاند. این نوشته را با
نقل فتوای این دو بزرگوار به بابان می‌بریم:
آیت الله گلپایگانی: «در فرض مسأله،
جنیجه سایر شرایط صحت ذبح در منابح
مذکور، محقق باشد رعایت اقریبی به منا واجب
نیست اگر چه اولی و مطالب احتیاط است.
آیت الله اراکی: «ذبح در مسلخهای
جدید التأسيس در فرض عدم امکان ذبح در منا
در صورتی که شرایط شرعی ذبح رعایت شود
مانند ندارد، هر چند نسبت به سایر مسلخها
منا دورتر باشد و رعایت اقریبی به منا لازم
نیست.»

و برای نیازماندن کشورهای اسلامی ارسال
می‌گردد.
ثانيتی: از نظر رعایت مکان ذبح این
مسلخه، گر چه از بعضی مسلخهای دیگر
دورتر است ولیکن در مجموع مسأله
اتصال به منا و حفظ شعارت قربانی در آن،
محفوظ است.
ثالثاً: از نظر رعایت زمان ذبح: با
همانگی قلی امکان ذبح قربانی در روز
عبد در این مسلخه فراهم است و شرط
زمانی قربانی نیز رعایت می‌شود.
رابع‌اً: از جهت رعایت شرایط دیگر
ذبح و قربانی نیز مشکلی وجود ندارد ولی با
همانگی قلی، رعایت همه شرایط ممکن
است. به همین جهت در استفتایی که جناب
حجة الاسلام و المسلمین سید عیل

•

 Bíي نوشته‌ها:
1. لقای، آیه ۱۹۶
2. المقت در الفقه، سلسله البحث، ج ۱۹ ص ۴۵
3. المقابلة في الفقه، سلسلة البحث، ج ۱۷ ص ۸۱
4. الكافي في الفقه، سلسلة البحث، ج ۱۶ ص ۱۶۱
5. الالهاءی، بحث الفقه والتماسی، ج ۷ ص ۲۰۳
6. السراز، سلسلة البحث، ج ۸ ص ۵۵
7. وسایل الشیره، ج ۱ ص ۱۰۱ (باب ۱۱۱، ابتکار الذبح، حديث ۵)
8. وسایل الشیره، ج ۱۰ ص ۹۲ (باب ۳۹، ابتکار الذبح، ح ۱)
9. همایون، ج ۷۸ ص ۹۳
فرائض در حج تمنع
10 - همائي
11 - وسائل الشيعة، ج 10، ص 172، باب 28، أبواب الذبح، ج 2
12 - همائي، ج 10، ص 129، باب 4، أبواب الذبح، ج 4
13 - بنفسه
14 - وسائل الشيعة، ج 4، ص 326، باب 2، أبواب الأخبار والأخبار، ص 1
15 - تهذيب الأخبار في شرح المتنبأ للشيخ المفيد، ج 5، ص 202، ج 10، في الذبح، بيروت، دار صميم
16 - متنبأ شيخ حسن صاحب، جواهر الكلام، ج 19، ص 121
17 - مجموعة الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأخذ، ج 27، ص 257، ج 19، جامعة مدرسية حوزة علمية قم
18 - ذكرى المعاذ في شرح الإرشاد، ص 163
19 - مستند الشيخ في أحكام الشره، ج 2، ص 259
20 - ذكرى المعاذ في شرح الإرشاد، ج 1، ص 663
21 - جواهر الكلام، ج 19، ص 141
22 - المتنبأ في الفقه، سلسلة الباجي، ج 8، ص 37
23 - الكافي في الفقه، سلسلة الباجي، ج 7، ص 161
24 - المنهج، سلسلة الباي، ج 6، ص 37
25 - المنهج في الفقه، سلسلة الباجي، ج 7، ص 317
26 - الوسيط، سلسلة الباجي، ج 8، ص 443
27 - أصحاب الشيخ، سلسلة الباجي، ج 7، ص 268
28 - الحج، ج 28، ص 37
29 - الحج، ج 36 و 37
30 - مائدة: 97
31 - وسائل الشيعة، ج 1، ص 134، باب 4، أبواب الذبح، ج 1
32 - همائي، ص 134، باب 4، ج 2
33 - وسائل الشيعة، ج 10، ص 134، باب 4، أبواب الذبح، ج 2
34 - المعتد في شرح المناصبات (كتاب الحج)، ج 5، ص 111، و 217
35 - الروضة النبوية في شرح اللغة والدمشقيات، ج 3، ص 300
36 - وسائل الشيعة، ج 8، ص 106، باب 5، أبواب وجب الحج، ج 1
37 - أسس مناصبات، إثنا عشر، محمد صادق، ص 188